

اشعیا ایش 42

- 1 اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است، من روح خود را بر او می‌نهم تا انصاف را برای امت‌ها صادر سازد.
- 2 او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آن را در کوچه‌ها نخواهد شنواید.
- 3 نی خرد شده را نخواهد شکست و فتیله ضعیف را خاموش خواهد ساخت تا عدالت را به راستی صادر گرداند.
- 4 او ضعیف نخواهد گردید و منکسر خواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیره‌ها منتظر شریعت او باشند.
- 5 خدا یهوه که آسمانها را آفرید و آنها را پهن کرد و زمین و نتایج آن را گسترانید و نفس را به قومی که در آن باشند و روح را بر آنانی که در آن سالکند می‌دهد، چنین می‌گوید:
- 6 «من که یهوه هستم تو را به عدالت خوانده‌ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت‌ها خواهم گردانید.
- 7 تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری.
- 8 من یهوه هستم و اسم من همین است. و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بت‌های تراشیده نخواهم داد.
- 9 اینک وقایع نخستین واقع شد و من از چیزهای نو اعلام می‌کنم و قبل از آنکه بوجود آید شما را از آنها خبر می‌دهم.»

رومیان ایش 13

- 11 و خصوصاً چون وقت را می‌دانید که الحال ساعت رسیده است که ما را باید از خواب بیدار شویم زیرا که الآن نجات ما نزدیکتر است از آن وقتی که ایمان آوردیم.
- 12 شب منقضی شد و روز نزدیک آمد. پس اعمال تاریکی را بیرون کرده، اسلحه نور را بپوشیم.
- 13 و با شایستگی رفتار کنیم چنانکه در روز، نه در بزمها و سکرها و فسق و فجور و نزاع و حسد؛
- 14 بلکه عیسی مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید.

لوقا ایش 4

- 16 و به ناصره جایی که پرورش یافته بود، رسید و بحسب دستور خود در روز سبّت به کنیسه درآمده، برای تلاوت برخاست.
- 17 آنگاه صحیفه اشعیا نبی را بدو دادند و چون کتاب را گشود، موضعی را یافت که مکتوب است
- 18 روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکستهدلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم و تا کوبیدگان را آزاد سازم،
- 19 و از سال پسندیده خداوند موعظه کنم.
- 20 پس کتاب را به هم پیچیده، به خادم سپرد و بنشست و چشمان همه اهل کنیسه بر وی دوخته می‌بود.
- 21 آنگاه بدیشان شروع به گفتن کرد که امروز این نوشته در گوشهای شما تمام شد.
- 22 و همه بر وی شهادت دادند و از سخنان فیض‌آمیزی که از دهانش صادر می‌شد، تعجب نموده، گفتند، مگر این پسر یوسف نیست؟
- 23 بدیشان گفت، هر آینه این مثل را به من خواهید گفت، ای طبیب خود را شفا بده. آنچه شنیده‌ایم که در کفرناحوم از تو صادر شد، اینجا نیز در وطن خویش بنما.
- 24 و گفت، هر آینه به شما می‌گویم که هیچ نبی در وطن خویش مقبول نباشد.
- 25 و به تحقیق شما را می‌گویم که بسا بیوه زنان در اسرائیل بودند، در ایام الیاس، وقتی که آسمان مدت سه سال و شش ماه بسته ماند، چنانکه قحطی عظیم در تمامی زمین پدید آمد،
- 26 و الیاس نزد هیچ کدام از ایشان فرستاده نشد، مگر نزد بیوه زنی در صرّفه صیدون.
- 27 و بسا ابرسان در اسرائیل بودند، در ایام ایشع نبی و احدی از ایشان طاهر نگشت، جز نعمان سریانی.
- 28 پس تمام اهل کنیسه چون این سخنان را شنیدند، پُر از خشم گشتند
- 29 و برخاسته او را از شهر بیرون کردند و بر قلّه کوهی که قریه ایشان بر آن بنا شده بود بردند تا او را به زیر افکنند.
- 30 ولی از میان ایشان گذشته، برفت.